

بحران باسوادان بی‌سواد!



از روزهایی که نظام آموزشی ارزشیابی کیفی توصیفی یا همان نظام 3-3-6 را به شتاب زده ترین شکل ممکن در آموزش و پرورش کشور اجرا کردند، سال های زیادی نگذشته است اما پیامدهای منفی این تصمیم سریع، حالا رفته رفته چهره خود را در نظام آموزشی عیان می‌کند.

از روزهایی که نظام آموزشی ارزشیابی کیفی توصیفی یا همان نظام 3-3-6 را به شتاب زده ترین شکل ممکن در آموزش و پرورش کشور اجرا کردند، سال های زیادی نگذشته است اما پیامدهای منفی این تصمیم سریع، حالا رفته رفته چهره خود را در نظام آموزشی عیان می‌کند.

به گزارش سلامت نیوز، قانون نوشت: پنج سال قبل که مسئولان دولت دهم ناگهان هوس کردند نظام آموزشی کشور را متحول کنند، کارشناسان بارها هشدار دادند که این نظام به خودی خود مناسب اما برای وضعیت فعلی ایران غیر قابل اجر است. آموزش و پرورش برای اجرای این طرح با کمبود 600 هزار معلم متخصص به ویژه در دوره ابتدایی و پایه ششم که قرار بود اضافه شود، مواجه بود. 60 هزار کلاس جدید در آن زمان برای پایه جدید ششم ابتدایی نیاز بود که مشخص نبود قرار است از کجا تامین شود. معلمان با سابقه نیز، توانایی ناگهان هماهنگ شدن با کتب جدید و متنوع و مفاهیم آن‌ها را نداشتند. تعداد مخالفان اجرای طرح در بدنه فرهنگیان بالا بود و همین باعث می‌شد که فرهنگیان دل به این طرح ندهند. آن‌ها این طرح را بدون نظرخواهی و برنامه‌ریزی قبلی می‌دانستند که حتی به آن‌ها اطلاع نداشتند. صورت آزمایشی نیز اجرا نشده و قرار بود به طور مستقیم وارد فاز اجرای سراسری شود. اما هیچ یک از این دلایل موجه، تب مسئولان دولت دهم که آخرین سال کاری خود را می‌گذراندند، پایین نیاورد و آن‌ها به طمع ثبت تحول نظام آموزشی به نام خود، شاهکاری به نظام ارزشیابی کیفی را به دامان آموزش و پرورش معیوب کشور انداخته، آن را از آنچه بود فلج تر کرده و خود از دور ریاست خارج شدند.

سونامی بی سوادگی در راه است

این روزها افت تحصیلی دانش آموزان به ویژه در مقطع ابتدایی، سر زبان همه افتاده و بچه‌ها در نظام آموزشی جدید گم شده اند و دست و پا زدن خود را به مقاطع بالاتر می‌رسانند. کارشناسان می‌گویند که سونامی بی سوادگی در قشر تحصیل کرده در راه است؛ نه بی‌سوادگی که آن را حاصل فارغ التحصیل شدن‌ها می‌باشد، بلکه اصطلاح کیلویی از دانشگاه‌ها می‌دانیم. سونامی جدید از پایه های ابتدایی به راه افتاده و سیل آن در سال‌های بعد دامن‌گیر نسلی خواهد شد که از ابتدا سردرگم بار آمده‌اند. نسلی که کلاس‌های پرجمعیت، معلمان غیر متخصص، کتب درسی کم محتوا و ناتوانی خانواده‌ها برای درک نظام آموزشی جدید را تجربه می‌کنند. افت تحصیلی، اولین پیامد این نظام برای بچه‌هایی است که هنوز به سن ورود به جامعه نرسیده‌اند. در این خصوص «محمد فلاحی» عضو کانون صنفی معلمان ایران در گفت‌وگو با «قانون» معتقد است کلاس‌ها بیش از آن شلوغ شده که شاهد بازدهی نظام آموزش ارزشیابی کیفی باشیم. مشکل کمبود معلم نیز از ابتدای اجرای این طرح وجود داشته و همچنان ادامه دارد. برنامه ای برای جذب درست افراد متخصص وجود ندارد و از همان ابتدا از هر جایی که توانستند افراد غیر متخصص را به عنوان معلم به مقطع ابتدایی آوردند. این بچه‌ها در مقاطع بالاتر حتی در خواندن معمول خود نیز مشکل دارند. گنجینه لغات این نسل، بسیار محدود است و از حل محاسبات ساده ریاضی بدون ماشین حساب عاجز هستند.

کلاس‌های شلوغ و معلمان بی‌انگیزه

توانید کلاسی را پیدا کنید که زیر 40 نفر دانش‌آموز داشته باشد؛ این را «مهدی بهلولی» کارشناس آموزش و پرورش در گفت‌وگو با «قانون» مطرح می‌کند و می‌گوید: «در مدارس دولتی به خصوص در مرکز شهر تهران یا مناطق متوسط و قدیمی، جمعیت دانش‌آموزان بسیار زیاد است. افزایش جمعیت در کنار کم‌انگیزه بودن معلمان، دست به دست هم داده و کیفیت آموزش را پایین آورده است. برخی دانش‌آموزان در پایه چهار و پنج، هنوز در نوشتن اسم خود نیز مشکل دارند؛ این کارشناس آموزش و پرورش در خصوص دلایل افت تحصیلی دانش‌آموزان می‌گوید: «مسلم است که آموزش و پرورش ما همواره درگیر مشکلات متعدد بوده اما نظام آموزشی جدید، تیر خلاص را زده است. ارزشیابی کیفی به خودی خود کار خوبی است و در جهان تمام نظام‌ها آموزش به

سمت این نوع ارزشیابی حرکت کرده یا در حرکتند. اما شکل جهانی این نظام، دانش آموز را از نمره و استرس آزمون دور کرده و ارزشیابی دقیقی برای آن قرار داده است. در سیستم ارزشیابی کیفی، معلم برای هر دانش آموز یک پوشه تهیه می کند، سپس رفتار دانش آموز در طول ترم را در نظر می گیرد و در هر جلسه و هر روز این پوشه را تکمیل می کند. این پوشه و این پرونده است که به زمان و انگیزه احتیاج دارد و تعداد دانش آموزان باید در هر کلاس مشخص و اندک باشد. طبق گزارش وهایی که در خارج از کشور وجود دارد، معلمان هر روز بعد از ظهر این پوشه ارزیابی را تکمیل می کنند ولی معلم ایرانی، نه انگیزه آن را دارد، نه وقت آن و نه تعداد دانش آموزان این اجازه را می دهد. سیستم ما معلم را با انگیزه بار نمی آورد. زنگ تعطیلی که به صدا در بیاید، معلم زودتر از دانش آموز از مدرسه فرار می کند؛

نمره حذف شد، ارزشیابی اعمال نشد

اجرای نظام ارزشیابی کیفی در ایران را، نه حتی ناقص که می توان فرمالیته دانست. نمره حذف شده است اما ارزشیابی در کار نیست. بهلولی در این خصوص می گوید: این نظام هنوز در مدارس ما زمینه اجرا ندارد. آموزش و پرورش با کیفیت به سمت این نوع آموزش نمی رود. پای صحبت معلمان ابتدایی که بنشینید، می گویند شرایط تحصیلی برخی دانش آموزان به گونه ای بود که نباید به پایه های بالاتر می رفتند اما مدیر مدرسه قبول نمی کرد می گفت این مدرسه باید صد درصد قبولی داشته باشد. این حکایت بسیاری از مدارس است و با یک سونامی بی سوادی شدید نسبت به گذشته روبه رو خواهیم شد. بهلولی نقش خانواده ها را نیز در افت تحصیلی کودکان موثر می داند و ادامه می دهد: خانواده ها نیز در واقع در تضعیف ارزشیابی توصیفی نقش دارند. هر چه به آن ها بگویید دوران نمره تمام شده است، آن ها فرهنگ نمره ای را می بینند و مرتب می پرسند نمره این بچه چند است؟ یا می پرسند بسیار خوب یعنی کدام نمره؟ اما به اصل یادگیری فرزندشان توجهی ندارند. معلم ها صوری و تقریبی نمره های به خانواده ها می گویند و چون قبول شدن دانش آموز راحت تر شده است، خانواده ها به مدرسه و معلم فشار می آورند تا دانش آموز در هر وضعیتی بالا برود.

کتب سخت و کم محتوا

در نخستین سال اجرای این طرح از سوی کارشناسان حوزه آموزش و پرورش عنوان شد که بیشترین آمار افت تحصیلی در مقطع اول ابتدایی بوده است و کتب تازه و کتب تکمیلی سخت اما کم محتوا را به عنوان اولین عامل افت تحصیل معرفی کردند. معلمان به دلیل دشوار بودن محتوای کتاب های درسی تسلط کافی بر آن ها نداشتند، بنابراین محتوای آن با کیفیت کافی تدریس نمی شد؛ آن نیز در شرایطی که کودک پس از پیش دبستانی، تازه وارد مقطع جدی تحصیل شده است. کارشناسان ارزشیابی توصیفی را نوعی پاک کردن صورت مساله بیان کردند که برای حل معضل افت تحصیلی، چاره ای باقی نگذاشته است.

کلاس ها را خلوت کنید

تراکم بالای دانش آموزان در کلاس درس همواره از سوی معلمان به عنوان یکی از عوامل کاهش کیفیت در آموزش اعلام می شود. طبق بخشنامه ساماندهی نیروی انسانی، تراکم دانش آموزان در نقاط شهری و در سه ساله نخست دوره ابتدایی، حداکثر 32 نفر، در سه ساله دوم حداکثر 35 نفر و همچنین در دوره متوسطه اول و دوم تراکم دانش آموزان در کلاس درس حداکثر 36 نفر است. با اضافه شدن پایه ششم به دوره ابتدایی، آموزش و پرورش با کمبود معلم در این دوره مواجه شد و به دلیل عدم جذب نیروی جدید و بازنشستگی تعدادی از نیروها در هر سال، کمبود معلم در این دوره به شدت احساس می شود.

تراکم پایین کلاس های درس منجر می شود تا دانش آموزان ارتباط بهتری را با معلم خود بگیرند و روش تدریس فعال که در سند تحول بنیادین مورد تاکید قرار گرفته است، محقق خواهد شد. همچنین به گفته کارشناسان، دانش آموزانی که در سال اول ابتدایی در کلاس کم جمعیت حضور دارند، اگر در پایه های بالاتر در کلاس های عادی و پرجمعیت قرار بگیرند، نسبت به سایرین موفقیت بیشتری کسب می کنند.